

بسم الله الرحمن الرحيم

از انتقادهای لفظی تا هماهنگی های نظامی؛ نمونه‌ای از موقف‌گیری‌های دوگانه ترکیه در قبال امریکا!



(ترجمه)

"ترکیه" به تاریخ ۱۴ دسامبر ۲۰۱۷م میزبان نشست امنیتی با حضور خلوصی آکار رئیس ستاد مشترک ارتش ترکیه، عثمان غانمی همتای عراقی وی، کوتیس سکاباروتی فرمانده نیروهای امریکا در اروپا و جوزیف فوتیل فرمانده رهبری مرکزی اردوی امریکا بود. در بیانیه‌ای که از ریاست ستاد مشترک ارتش ترکیه منتشر گردید، گفته شده که این نشست در مقر ریاست ستاد مشترک ارتش ترکیه در انقره صورت گرفته و اوضاع امنیتی منطقه و در رأس آن، سوریه و عراق به بحث و بررسی گرفته شد و در این نشست، تدابیر لازم برای مبارزه با "سازمان‌های تروریستی" اتخاذ گردید.

نشریه "آزادی ترکیه" در جزئیات بیشتری از این نشست، می‌نگارد: «آکار تأکید نمود که حزب کارگران کردستان باید از عراق بیرون رانده شود و معلوماتی در خصوص حملات هوایی بالای مواضع این حزب در منطقه اسوس در مرز میان عراق و ایران ارائه نمود؛ وی از همکاری‌ها میان حکومت عراق و قطعات حمایت از مردم کُرد در برابر گروه داعش انتقاد نمود؛ اما عراق در واکنش به این انتقاد، موضوع حضور نظامی ترکیه در منطقه عشیقه عراق را مطرح نمود که آکار در پاسخ به آن گفت: این حضور نظامی به منظور جنگ با "ترورزم" بوده و به یک‌پارچه‌گی خاک عراق خللی وارد نمی‌کند. آکار در ادامه از طرف امریکائی‌ها خواست تا سلاح‌هایی را که به حزب ملی دموکراتیک و قطعات حمایت از مردم کُرد داده، پس بگیرد و تأکید نمود که منطقه عفرین باید از حضور آنان پاک‌سازی شده و تمام عناصری که امنیت ترکیه را به خطر می‌اندازند، توسط نیروهای ترکیه هدف قرار خواهند گرفت. آکار در ادامه در مورد فعالیت‌های نیروهایش در منطقه کاهش تنش در شهر ادلب سوریه نیز معلوماتی ارائه نمود.»

این جاست که چگونگی گردش ترکیه در مدار امریکا به خوبی روشن می‌گردد. رئیس ستاد مشترک ارتش ترکیه این‌گونه خواسته‌هایش را از امریکا مطرح نموده و از فعالیت‌های نیروهایش در ادلب به منظور تلاش برای سرکوب نمودن انقلاب سوریه زیر نام کاهش تنش، به امریکائیان گزارش می‌دهد؛ وی از امریکا می‌خواهد، به ترکیه اجازه دهد تا جنگ با حزب کردستان عراق را ادامه دهد. هم‌چنین میان ترکیه و عراق مشکلی وجود دارد که هرازگاهی سر بلند نموده و مجدداً خاموش می‌گردد و آن حضور نظامی ترکیه در عراق است، حضوری که با موافقت عراق صورت گرفته؛ اما مسئولین عراقی آن را به اهداف سیاسی مطرح نموده و زمانی که نیاز باشد از آن سکوت می‌کنند. چنان‌چه در این اواخر که ترکیه عراق را زیر رهبری امریکا در جنگ علیه گروه داعش کمک می‌نمود، عراق مسئله حضور نظامی ترکیه در خاک‌اش را مسکوت نگهداشته و از آن بادی نمی‌نمود.

امریکا به ترکیه اشاره نموده بود که وارد ادلب شود؛ اما به آن اجازه نداد تا وارد عفرین شود. ترکیه در این نشست از امریکا خواست اجازه ورود به عفرین را نیز به آن بدهد؛ هم‌چنین از آن خواست تا سلاح‌هایی را که به نیروهای دموکرات سوریه-که مشتمل بر قطعات حمایت از کردها و حزب دموکرات آن می‌باشد- از آنان پس بگیرد؛ زیرا ترکیه آنان را به دلیل ارتباطی که با حزب کارگران کردستان دارند، تهدیدی علیه خود تلقی می‌کند؛ اما امریکا این درخواست‌ها را تا استحکام حضورش در مناطقی که در تسلط این قطعات قرار دارد، به تعویق می‌اندازد.

چنان‌چه روزنامه واشنگتن پست به تاریخ ۲۴ نومبر ۲۰۱۷م از این مسأله پرده برداشت: «امریکا قصد ندارد نیروهایش را، حتی پس از نابودی کامل داعش، از سوریه بیرون کند.» نشریه روتترز نیز به تاریخ ۲۵ نومبر ۲۰۱۷م به نقل از شماری از مسئولین امریکائی نوشت: «پنتاگون به زودی اعلام خواهد نمود که امریکا قصد دارد، بیشتر از دو هزار سرباز امریکائی به سوریه اعزام نماید. هم‌چنین از حضور ۵۲۶۲ سرباز امریکائی در عراق خبر داده شده است.»

این در حالی است که ترکیه به دستور امریکا، عملیاتی زیر نام "سپر فرات" را به تاریخ ۲۴ اگست ۲۰۱۶م، که همزمان با حضور جوبایدن معاون رئیس جمهور سابق امریکا در انقره بود، در سوریه به راه انداخته و به این بهانه وارد سوریه شد. نکته قابل توجه این است که ترکیه در آن زمان هیچ‌گونه برخوردی با قطعات نظامی کرد ننمود؛ بلکه هدفی که برایش تعیین شده بود، این بود که آتش انقلاب را در آن مناطق به نفع امریکا خاموش نموده و موقف نظام جنایت‌کار سوریه را تقویت نماید.

هم‌چنین نشست انقره پس از آن صورت گرفت که روسیه اعلام نمود، نیروهایش را پس از آغاز کاستن از نقشی که امریکا به ایران و حزب لبنانی آن در سوریه به آنان داده بود از سوریه بیرون خواهد کشید. امریکا اینک پس از خروج روسیه و کاهش نقش ایران، در پی این است که نقش ترکیه را برجسته‌تر نماید؛ ترکیه‌ای که در فریب دادن انقلابیون و ضربه‌زدن به آنان از پشت، به ویژه در تسلیم نمودن حلب به نظام جنایت‌کار، بزرگ‌ترین تأثیر را داشت. بناً امریکا در قضیه سوریه به ترکیه اهمیت ویژه می‌دهد، به خصوص اردوغان رئیس جمهور آن؛ زیرا اردوغان در فریب دادن انسان‌های ساده‌لوح با اسالیب خبیثانه‌اش، مهارت زیاد دارد؛ چنان‌چه می‌داند، احساسات مردم را با سخنان بزرگ برانگیزد؛ در حالی که در اصل اوامر امریکا را انجام می‌دهد.

چنانچه اردوغان با این اظهارات اش که: «اجازه نخواهیم داد، کشتار و جنایت‌های منطقه حمت سوریه تکرار شود.» مردم سوریه را فریب داد؛ اما کشتارها و جنایت‌های وحشت‌ناک‌تر از حمت بارها و بارها تکرار شد و وی هیچ اقدامی انجام نداد؛ بلکه حتی در موارد زیادی بالای انقلابیون فشار آورد تا تسلیم نقشه‌های امریکا شوند. اینک هم اردوغان مردم فلسطین را با این شعار دروغین اش فریب می‌دهد که: «قدس خط سرخ ماست.» و از امریکا به دلیل به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت دولت یهود انتقاد می‌کند؛ اما در عین حال، در انقره میزبانی رهبران امریکا را نموده و در جنگ کثیفی که برای جلوگیری امت اسلامی از آزادی امت از زیر یوغ استعمارگران به راه انداخته است، اوامر آن را اجراء می‌کند.

نمونه دیگر نیرنگ‌کاری‌های اردوغان را در فراخوانی کنفرانس به اصطلاح همکاری‌های اسلامی و سخنان فریبنده اش در این کنفرانس مشاهده نمودیم، وی طوری وانمود کرد که انگار علیه دولت یهود و امریکا قرار دارد؛ در حالی که تمام اصرار وی بالای این بود که راه حل امریکائی مبتنی بر ایجاد دو دولت، عملی گردد؛ راه‌حلی که توسط امریکا مطرح گردیده و بر اساس آن به دولت یهود اجازه داده می‌شود تا با خیال آرام، غرب قدس و اکثریت خاک فلسطین را غصب نماید. اردوغان با سخنانی که در این کنفرانس گفت، در حقیقت غصب بخش بزرگ فلسطین را توسط دولت یهود رسمیت بخشیده و روابط نظام سیکولرش را با این دولت غاصب یهود تقویت نمود.

اردوغان اگر او واقعاً با مسلمانان صادق می‌بود، باید تمام روابط اش را با دولت یهود قطع نموده و به رسمیت شناختن این دولت توسط ترکیه را پس می‌گرفت، مسئله تشکیل دو دولت در فلسطین را رد می‌نمود و اعلام می‌نمود که یگانه راه حل با دولت یهود، همانا جهاد است و برای ادای این فریضة بزرگ (جهاد علیه دولت یهود) آماده‌گی‌های لازم را اتخاذ می‌نمود؛ اما واقعیت این است که وی دروغ‌گوی مکاری بیش نیست و به سان سایر حکام سوار بر گرده مسلمانان است. اردوغان یک خائن ماهر است؛ حاکمی که پیوسته با اسالیب گوناگون خواستار تطبیق راه حل امریکائی می‌شود، که غصب غرب قدس و اکثریت خاک فلسطین توسط دولت یهود را استحکام بخشیده و حضور و نقش ضمانت کننده امریکا برای بقای این دولت را تقویت می‌کند.

از جانب دیگر، به نظر می‌رسد، امریکا قصد دارد نقش عراق را در سوریه فعال نماید، چنانچه از حکومت عراق خواسته تا به بهانه جنگ با داعش و استحکام بخشیدن نظام سیکولر سوریه و وابسته به امریکا، در این کشور سهم بگیرد. ترکیه به همکاری عراق با قطعات حمایت‌گردد ها اشاره نمود و می‌دانیم که این کار ممکن نیست؛ مگر این که با اشاره امریکا صورت گرفته باشد؛ زیرا نظام حاکم در عراق به دستور امریکا در حرکت بوده و وابسته به معاهده‌های امنیتی با آن می‌باشد، به ویژه با توجه به این که عدم اعتماد به یک مزدور، از جمله اصول سیاست‌های امریکا به شمار می‌رود.

پایگاه خبری دویچه ویله آلمان در خبری به نقل از برخی منابع ترکیه گفت: «آکار به سفر نمایندگان بریتانیا و فرانسه به منطقه و دیدار آنان با نیروهای دموکرات سوریه واکنش نشان داد، نیروهائی که عناصر کرد وابسته به حزب ملی و قطعات حمایت‌گردد، بالای آنان تسلط دارند.» این واکنش ترکیه به این دلیل است که انگلیس و فرانسه تلاش دارند تا جای پائی برای خود در آن جا پیدا نمایند؛ زیرا

ترکیه در محور امریکا حرکت می‌کند؛ نه محور انگلیس و فرانسه. بناً اردوغان از نقش انگلیس و فرانسه در داخل ترکیه و کمک‌های آنان به حزب کارگر کُردستان و حزب مردم جمهوری‌خواه وابسته به انگلیس که علیه حکومت اردوغان و به نفع انگلیس فعالیت می‌کنند، در هراس می‌باشد. ترکیه از امریکا به دلیل تأسیس و تجهیز نیروهای دموکرات سوریه انتقاد نکرد؛ اما از عناصر جدائی‌خواه کُرد انتقاد می‌کند؛ زیرا می‌ترسد که مبدا بالای آن تأثیرگذار باشد؛ اما این که این نیروها در سوریه و در جهت تحقق اهداف امریکا فعالیت نمایند، برای ترکیه مهم نیست و از آن انتقاد نمی‌کند.

به این ترتیب، ترکیه تبدیل به پایگاه و ابزاری برای امریکا شده که از آن برای جلوگیری از آزادی امت اسلامی-از زیر یوغ استعمار کار گرفته و در جنگ کثیف‌اش علیه این امت- استفاده می‌نماید. ترکیه تبدیل به لانه جاسوسی و هماهنگی دسیسه‌های امریکا گردیده، و اردوغان ابزار استفاده علیه اسلام و مسلمانان شده است، اردوگانی که از خودش خادم خائن و خبیثی برای امریکا ساخته و رهبران اردوی ترکیه را تربیت نموده تا اوامر امریکا را در منطقه برای حمایت از نفوذ و استعمار آن عملی نمایند.

در حالی که مسئولیت اصلی اردوغان و ارتش آن این است که از امت بزرگ خویش در برابر مداخلات امریکا، غرب و روسیه در منطقه حمایت نموده و چون کوه در برابر آنان ایستاده‌گی نمایند و آنانی را که در تلاش برپائی خلافت راشده بر منهج نبوت می‌باشند، نصرت بدهند؛ خلافتی که ترک و کُرد و عرب و عجم، همه در زیر سایه آن آرام گرفته و عزت و ابهت خویش را مجدداً به دست خواهند آورد. به خواست الله سبحانه و تعالی این لشکرها به زودی به این مسئولیت خویش پی‌برده و آن را اداء خواهند نمود.

﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾

[حج: ۴۰]

ترجمه: بدون شک، الله (سبحانه و تعالی) کسانی را که دین او را نصرت دهند، یاری خواهد نمود و بدون شک، که الله (سبحانه و تعالی) قوی و عزیز است.

نویسنده: اسعد منصور

۹ ربیع الثانی ۱۴۳۹ هـ.ق

۲۷ دسمبر ۲۰۱۷ م